

نماد و نمون قدمگاه در تاریخ شرق، با تأکید بر نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی

ناهد جعفری دهکردی^۱، سیده مریم ایزدی دهکردی^۲

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ استادیار گروه معارف، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۶/۳)

چکیده

انسان‌ها از آغاز تا کنون، به قدمگاه‌های اشخاص برجسته، به دیده احترام می‌نگریسته و آنها را نمادهایی از حضور معنویت، قدرت و تملک می‌شناخته‌اند. نیاز انسان به اسطوره‌سازی و انتساب مکان‌هایی خاص با افراد برجسته، موجب شده است «فرهنگ قدمگاه» در میان بشریت شکل بگیرد؛ به طوری که نشانه‌های آن از اعصار غارنشینی تا فضا دیده می‌شود. هدف این تحقیق، بررسی نماد قدمگاه در فالنامه تهماسبی و ارتباط آن با نقوش قدمگاه‌های موجود در ایران و جهان اسلام می‌باشد. اینکه پیشینه به وجود آمدن قدمگاه‌ها به چه دوره‌ای بازمی‌گردد؟ آیا قدمگاه‌ها براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده‌اند؟ نمادهای موجود در قدمگاه فالنامه تهماسبی، برانگیخته از کدام خاستگاه می‌باشد؟، مسأله‌ایست که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای به آن پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد، قدمگاه‌های متعددی در سطح جهان وجود دارند که پیشینه آنها، اغلب به پیش از اسلام بازمی‌گردد. برخی از آنها براساس کشف و شهودهای شخصی ساخته شده‌اند و یا متأثر از فرهنگ هندی هستند. ضمن توجه به احترام قلبی ایرانیان و شیعیان به امامان و قدوم متبرک آنان و فرزندان‌شان، باید توجه داشت که نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی، به تقلید از نمونه‌های بودایی کشیده شده ولی در آن، از نمادهای اسلامی استفاده شده و ارتباطی با قدمگاه نیشابور ندارد.

واژه‌های کلیدی

قدمگاه بودا، قدمگاه نیشابور، قدمگاه‌های ایران، نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی.

مقدمه

در نقاط مختلفی از ایران، مکان‌هایی وجود دارند که به قدمگاه یکی از پیامبران، امامان یا امامزادگان نسبت داده می‌شود که بیشتر آنها، با واقعیت‌های تاریخی مطابقت ندارند. چنان که برمی‌آید، تعدادی از این مکان‌ها، آثار پیش از اسلام بوده و پس از مسلمان شدن ایرانیان، هویت آنها دگرگون گشته و همچنان به حضور خود ادامه داده‌اند.

تقدس و تیمن قدمگاه‌ها، به سرآغازین دوران تاریخ اندیشه برمی‌گردد. انسان‌ها برای غلبه بر حس فقدان کسی، تلاش داشتند خاطره وجود او را در مکانی حفظ نمایند. ضایعه مرگ شخصی عزیز، برای بازماندگان بسیار دشوار بوده و نگهداری یادگارهای یک فرد گرامی و برجسته، مهم تلقی می‌شده است. اشیاء، اجسام، لوازم شخصی و حتی سخنان بازمانده از آن شخص، به مرور مورد تبرک قرار می‌گرفت و در حد اعلای خود، مورد زیارت و نیایش قرار می‌گرفتند. موارد بی‌شماری از مکان‌ها را می‌توان یافت که به مدد حضور شخصی خاص در برهه‌ای خاص از زمان، شرف برخورداری از عنوان «ارض اقدس» را یافته‌اند و بدان وسیله بر دیگر مکان‌ها بالیده‌اند. چنان که امروزه در نزد مؤمنان و باورمندان ادیان ابراهیمی، سامی و میان‌رودان یادآور حضور ابراهیم نبی و امام حسین (ع)، فلسطین یادآور موسی و عیسی، مصر یادآور یوسف، حجاز یادآور حضرت محمد (ص) و سرانجام، خراسان یادآور تشریف امام رضا (ع) است. مردمان مشتاق بودند که در یک سرزمین مقدس، محل دقیق پای‌گذاری و شخص را بشناسند و با حضور در آنجا، به شخص مورد نظر تقرّب جویند. پیشینه نخستین قدمگاه‌های ساخته شده، به دوران سنگی برمی‌گردد (تصویر ۱)؛ که احتمالاً به نشانه ملکیت و تصاحب زمینی بوده است. انسان‌های نخستین با این نماد می‌توانستند؛ بود و باش تاریخی خود را در محلی مورد مناقشه، اعلام و از منابع طبیعی آن سرزمین بهره‌برداری نمایند. این نماد را می‌توان در حکم نشانه‌های مرزی امروزی قلمداد کرد؛ هرچند که

باورهای انسان اولیه و تلقی او از نظام طبیعت و جهان، ما را بر آن می‌دارد که نشانه یادشده را دارای مفهومی دینی نیز به‌شمار آوریم. اگر نخستین قدمگاه بشر را از عصر سنگی بدانیم، ردپای فضانوردان ناسا بر روی ماه را نیز باید به عنوان آخرین قدمگاه بشری، در همان راستا ارزیابی کنیم (تصویر ۲). حسی برآمده از تلاش انسان برای جاودانگی، مالکیت، عظمت و در عین حال، معنویت. این اندیشه که پیشینه قدمگاه‌ها به دوران اولیه حضور انسان بر روی زمین برمی‌گردد، در اعتقاد قدما نیز وجود داشت. بلعمی می‌گوید که همه شهرها و آبادانی‌های موجود بر روی زمین، قدمگاه‌های حضرت آدم، نیای همه انسان‌های روی زمین می‌باشد: «پس چون آدم حج سپری کرد، نتوانست به مکه بودن به میان کوه‌ها اندر پس بیامد و گرد بیت‌المعمور طواف کرد و خانه را بدرود کرد و به هندوستان باز شد؛ و هم بدان کوه که از آسمان فرو فرود آمده بود رفت و حوا را با خویشتن ببرد. چون دیگر سال همان وقت بیود، آدم را باز آرزوی خانه خاست. از هندوستان به مکه آمد و خانه را طواف کرد و به عرفات شد و مناسک حج تمام کرد و به هندوستان باز آمد و چهل سال همچنین بود؛ وقت حج به مکه آمدی و حج بکردی و بازگشتی. و هر کجا آدم پای نهاده است امروز آنجا شهر است و آبادانی‌ها؛ و هر کجا میان دو پایش بود، امروز همه بیابان است؛ و میان پای وی سه روزه راه بودی» (بلعمی، ۱۳۷۴، ۵۳). از این نظر، همه آبادانی‌های زمین اماکنی مقدس هستند که انسان‌ها بایستی ضمن قدردانی از موهبت الهی و برکت حضرت آدم، باید از ارتکاب هرگونه «گناه» در آن مکان‌ها خودداری نمایند. نگارندگان تلاش دارند در این تحقیق، ضمن ارائه پیشینه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته؛ قدمگاه‌های موجود در فرهنگ بودا و دین اسلام را به استناد شواهد ادبی و تاریخی، مورد بررسی قرار دهند. سپس با معرفی قدمگاه امام رضا (ع) در شهر نیشابور، به ویژگی‌های بصری و نمادین نگاره قدمگاه امام رضا (ع) موجود در فالنامه تهماسبی پرداخته می‌شود.



تصویر ۲- آخرین قدمگاه بشر؛ ردپای فضانورد ناسا بر روی کره ماه.

ماخذ: (https://www.pinterest.dk/pin/166703623691319306)



تصویر ۱- یک قدمگاه بازمانده از دوران سنگی.

ماخذ: (Puttkamer, 1979, 78)

قدمگاه‌های بودا

دیگر از مقدسین ادیان هندی دیده می‌شود و حتی در گذشته، عده‌ای از طریق تراشیدن قدمگاه‌هایی از سنگ و فروش آن به دیگران، گذران زندگی می‌کرده‌اند. کوهی را که ابن بطوطه از آن بالا رفته و به زیارت قدمگاه پرداخته بود، امروزه در زبان پیروان مذهب برهمایی سیلان، با نام کوه «سمن»^۱ و قله آن را سامناله^۲ می‌نامند. بوداییان بر این عقیده‌اند که بودا هنگام بازگشت از ملاقات یکی از سلاطین سیلان، به آن جزیره رفته بود و هنگامی که به حالت پرواز از آنجا بازمی‌گشت، پایش به قله برخورد کرد و جای پایش بر آن قله به جا ماند که آن را «سری‌پد»^۳ یعنی جای پای مقدس می‌خوانند و از نقاط مختلف جهان برای زیارت این قدمگاه به سیلان می‌روند. «فاهین» زائر بودائی چینی که در قرن پنجم م قریب به ۲ سال در سیلان اقامت کرده است، در این باره چیزی ذکر نمی‌کند و کتاب توصیف ملت‌های خارجی (اواخر قرن سیزدهم م) نیز که شرحی به آن اختصاص داده، از قدمگاه بودا سخنی به میان نمی‌آورد، بلکه می‌نویسد، «در کشور سیلان کوهی است بنام سیلون فی^۴ که در بالای آن جای پای انسان بسیار بزرگی یافت می‌شود که بیش از ۷ پا درازا دارد و مشابه همین، جای پای دیگری نیز در دریا به فاصله ۳۰۰ لی از کوه وجود دارد» (فاروقی، ۲۵۳۶، ۳۰۳).

بسیاری از قدمگاه‌هایی که امروزه در مناطق بودایی نشین جهان یا مناطقی که قبلاً پیروان آیین بودا در آن زندگی و کنش داشتند، جنبه تبرک و تقدس دارند و نشان از حضور بودا در آن مناطق ندارند. برخی از اینها، قطعات تراشیده شده از سنگ هستند و به راحتی قابل جابه‌جایی هستند و پیروان بودا برای نزدیکی به روان پیامبران‌شان و پدیداری حس معنوی، از آن نگهداری می‌کنند. بوداییان، سطح این قدمگاه‌ها را با نشان‌ها و نمادهای مختلفی نظیر نماد صلیب شکسته (卐) می‌آرایند. نماد یادشده

ارجاع سابقه تاریخی قدمگاه‌ها به حضرت آدم، با سرزمین هند آمیخته شده است. علامه شهرزوری در تاریخ الحکما نقل می‌کند که گویند وفات حضرت آدم در هندوستان افتاده، و مدفن وی بر کوه سراندیب که بر سمت قطب جنوبی واقع شده مدفون گشته و این نقطه در زمان علامه به «قدمگاه آدم» مشهور بوده است (به نقل از ابوالفضل مبارک، ۱۳۷۲، ۹۳). ابن بطوطه در سال ۷۴۵ ق. موفق به دیدار از این قدمگاه می‌شود و گزارشی جالب از آن می‌دهد: «قدمگاه، جای پای پدر ما آدم (س) بر صخره بلند و سیاهی که در محوطه پهناوری واقع است، قرار دارد. جای پا در روی صخره به شکل یک فرورفتگی نمودار است و طول آن یازده و جب می‌باشد. مردم چین در قدیم الایام محل انگشت ابهام و اطراف آن را بریده و با خود به معبدی که در شهر زیتون واقع است، برده‌اند و از نواحی دوردست به زیارت آن می‌شتابند. روی صخره در همان جای پا، نه حفره تراشیده‌اند که زائرین کفار، زرو یا قوت و جواهر در آنها می‌گذارند. فقرا که به مغاره خضر می‌رسند، بر هم پیشی می‌جویند تا خود را زودتر به قدمگاه رسانیده، این نذرها را تصاحب کنند. ما آنجا که رسیدیم جز چند سنگ کوچک و مقدار کمی طلا که به راهنمای خود دادیم، چیزی نیافتیم. رسم چنان است که زوار سه روز در مغاره خضر می‌مانند و صبح‌ها و عصرها به زیارت قدمگاه می‌روند؛ ما نیز به همین ترتیب عمل کردیم. بعد از سه روز به جاده ماما بازگشته به مغاره شیم که همان شیث پسر حضرت آدم باشد، رسیدیم» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰، ۲۵۴).

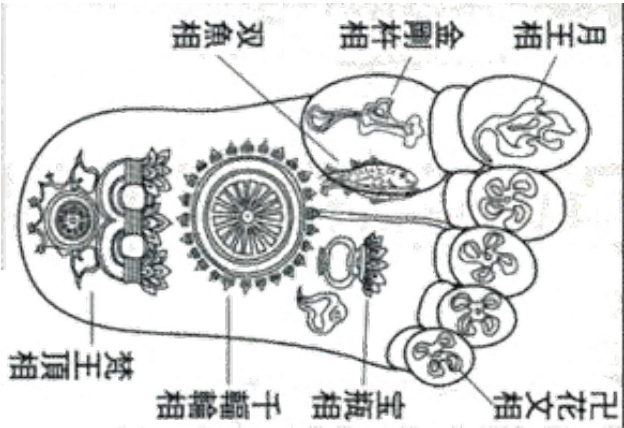
شکی نیست که گذرگاه منسوب به حضرت آدم، از اماکن مذهبی ادیان هندی بوده و در دوره‌های استیلای مسلمانان بر شبه‌قاره هند، تلاش شده است روایاتی منطبق با آیین اسلام در مورد آن ساخته شود. در سراسر هند و دیگر مناطقی که آیین بودایی در آنها رواج دارد، قدمگاه‌هایی ثابت و سیار از بودا و برخی

جدول ۱- قدمگاه‌های بودا.



قدمگاهی منسوب به بودا، قندهار / دره سوات (پاکستان)، سده‌های دوم یا سوم پس از میلاد.
ماخذ: (<http://www.onmarkproductions.com/html/footprints-bussokuseki.html>)

ادامه جدول ۱.

	
قدمگاه بودا در ژاپن. ماخذ: (http://www.onmarkproductions.com/html/footprints-bussokuseki.html) به نقل از مجله <Japan's Buddha Statues, 9. Aug. 2007 edition> (日本の仏像)	
	
قدمگاه بودا، یافته شده از گذرگاه خیبر، استان پختون خواه. ماخذ: (http://sites.asiasociety.org/gandhara/exhibit-sections/buddhas-and-bodhisattvas)	
	
قدمگاه بودا در هند. ماخذ: (https://xerion81.deviantart.com/art/The-feet-of-the-Bud-dha-76638095)	قدمگاه بودا در ژاپن. ماخذ: (http://www.onmarkproductions.com/html/footprints-bus-sokuseki.html)

اشیاء و اجسامی که واسطه بین حق و بنده اش می شد، بهره‌زند و این امر را یادآور دوران شرک و بت پرستی می دانستند.

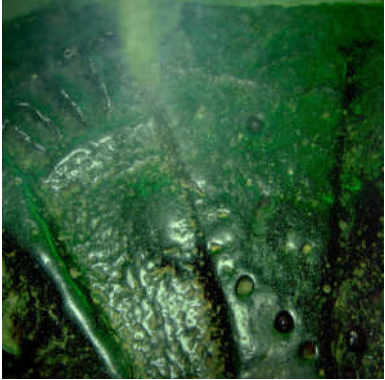
علیرغم تأکید اسلام، پس از چند سده قدمگاه‌هایی در گوشه و اکناف جهان اسلام پدیدار شدند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بیت المقدس [مسجد الاقصی]؛ هند [مسجد شاه عالم احمد آباد]؛ ترکیه [موزه توپکاپی استانبول]؛ مصر [مسجد امام شفیعی، قاهره] مقام سید احمد البدوی، طنطا و مقام سلطان ابوالنصر محمودی]؛ سوریه [مسجد الکریمیه حلب]؛ قبرس [مسجد دوغانچی، خانه مولانا شیخ ناظم، لفکه] (Mahmood Begg Naqshbandi, 2014, 12). نکته مهم در بررسی تاریخچه قدمگاه‌های ذکر شده این است که غالب آنها، از روایات شفاهی و اعتقادات محلی مبتنی بر الهامات شخصی و یا نقش یک فرد محلی در ساخت یا پیدا شدن آنها پیروی می‌کنند. از این روی، آثار موجود، صرفاً نیایشگاه‌ها و اماکن مقدس مذهبی قلمداد شده و نمی‌توان آنها را با بطن و متن اسلام پیوند داد. قدمگاه حضرت ابراهیم (ع) در مکه مکرمه، معروف‌ترین قدمگاه جهان اسلام است که همه مذاهب اسلامی بر آن توافق دارند. اعتقاد اعراب قبل از اسلام به خصوص خاندان قریش به

از دیرباز در شبه‌قاره و ایران رایج بوده است. در پرستشگاه‌های میترائی، اشیاء گوناگونی از این نماد یافت شده است و پس از اسلام نیز در گره‌چینی‌های اماکن مذهبی، از آن بهره می‌بردند (جدول ۱).

قدمگاه‌ها در اسلام

قدمگاه‌های بسیار زیادی نیز در جهان اسلام وجود دارند که در مناطق وسیعی از آفریقا تا شبه‌قاره هند پراکنده هستند (جدول ۲). این امر که مسلمانان نخستین به شخص حضرت محمد (ص) احترام زیادی قائل بودند، امریست که نیازمند اثبات نیست. اعراب مسلمان، محل حضور حضرت، جامه‌ها و تمام یادگارهای ایشان را محترم می‌شمردند و پس از وفات وی نیز، یکی از اشتغال‌های ذهنی‌شان، ذکر جمال و شمایل نبی بود که برخی از آنها به صورت مکتوب در خلال آثاری نظیر طبقات ابن سعد و شمایل النبی ترمذی به ما رسیده است. اما وجود قدمگاه‌ها در صدر اسلام، مورد شک و تأمل است. پیامبر اسلام (ص) و خلفای نخستین و امیرالمؤمنین (ع)، سفارش زیادی می‌کردند که از هرگونه تقرب به

جدول ۲- قدمگاه‌های جهان اسلام.

		
قدمگاه مسجد سید احمد البدوی، مصر، شهر طنطا. ماخذ: (Mahmood Begg Naqshbandi, 2014, 20)	قدمگاه مقام حضرت ایوب انصاری، استانبول. ماخذ: (Mahmood Begg Naqshbandi, 2014, 17)	قدمگاه پیامبر در موزه توپکاپی، استانبول. ماخذ: (Mahmood Begg Naqshbandi, 2016, 16)
		
قدمگاه مسجد الکریمیه، سوریه، شهر حلب. ماخذ: (Mahmood Begg Naqshbandi, 2014, 21)	قدمگاه حضرت ابراهیم در مکه مکرمه. ماخذ: http://siilikarastirmalari.blogspot.de/2014/10/makam-ibrahim.html?m=1	قدمگاه در روستای دوغانچی، قبرس (شمالی). ماخذ: (Mahmood Begg Naqshbandi, 2014, 23)

نگهداری می‌شود، ممکن است پس از شناسایی یا ساخت قدمگاه‌ها بنا شده باشند. احتمال این‌که شخص شاخص و برجسته‌ای در یک مکانی حضور داشته و یا عمل خاصی در آنجا از سوی صادر شده باشد، علت و انگیزه لازم را برای ساخت یک بنا در دوران و تبدیل آن به یک عبادتگاه تأمین می‌کرده است. مسجد برائثا در بغداد، نمونه‌ای از این مواضع است که گفته می‌شود تعدادی از پیامبران و اولیای پیش از اسلام در آن نماز گزارده‌اند (مقدس، ۱۳۸۸، ۲۷۴).

قدمگاه‌های ایران

تعداد بسیار زیادی از قدمگاه‌ها در سطح ایران شناخته شده‌اند. اختصاص اغلب آنها به امامان و امامزادگان، نشان از آمیختگی اعتقاد به قدمگاه‌ها با فرهنگ شیعی دارد. در سرتاسر کشور، جاهایی را می‌توان یافت که از نظر بومیان آنجا، قدمگاه یکی از امامان یا اولیای دین است. غیر از امام رضا (ع) که عزیمت ایشان به ایران زمین، امری تاریخی محسوب می‌شود، حضور تاریخی و فیزیکی دیگر امامان در این پهنه جغرافیایی، به اثبات نرسیده است. مهم‌ترین قدمگاه شناخته شده در ایران که اختصاص به آن امام دارد، در نیشابور واقع شده و محل زیارت شیعیان و راهیان حرم امام رضا (ع) در مشهد است. نقشی از ردپایی حک شده بر سنگ وجود دارد که گفته می‌شود اختصاص بدان امام همام دارد و در ساختمان قدمگاه که به شکل کوشکی هشت ضلعی، در مرکز باغ قدمگاه است، محفوظ است (تصاویر ۳ و ۴). نظیر این نقش، در تکیه معاون الملک در کرمانشاه موجود است (تصویر ۵). گفته می‌شود این قدمگاه نیز متعلق به ایشان در طی منازل بین مدینه تا مرو می‌باشد.

در پیرامون قدمگاه نیشابور، اعتقاد بر این است که اثر پای موجود در آن، هنگام وضو گرفتن حضرت بر کنار حوض آبی ایجاد شده که جاری شدن آب نیز در نتیجه معجزه حضرت بوده است.^۶

مقام ابراهیم نبی، ممکن است زمینه‌ساز پیدایش این اثر در آن دوره شده باشد که پس از ظهور اسلام نیز احترام و منزلت آن حفظ شده است. احترامی که به این مکان می‌گذاشتند، به آن پایه بود که اعراب به آن سوگند می‌خوردند و در دیوان منسوب به حضرت علی (ع)، بیتی در این باره وجود دارد، «سوگند به حجرالأسودی که بدو تبرک جسته و هنگام سحر و بامداد و شب او را در آغوش دارند و سوگند به قدمگاه با طراوت ابراهیم در سنگ که با دو پای برهنه خود بر آن ایستاده است»^۵ (کردی مکی، ۱۳۷۸، ۱۷۸).

در سده نهم هـ، عبدالرحمن جامی عارف و شاعر نامدار در تحفة‌الابرار سخن از زیارت و دیده‌سایی به این جایگاه مقدس می‌راند و گوید:

سوی قدمگاه خلیل‌الله آیی

پا چو نیایی به رهش دیده سای (جامی، ۱۸۹۸، ۶۴)

اما گویا اعتقاد به واقعیت تاریخی این جایگاه، از نظر برخی مسلمانان، مورد پرسش و اعراض بوده و آن را برساخته می‌پنداشته‌اند. خاقانی گوید:

چند رصدگاه پیل بر ره دل داشتن

چند قدمگاه پیل بیت حرم ساختن (خاقانی شروانی، ۱۳۱۶، ۳۲۱)



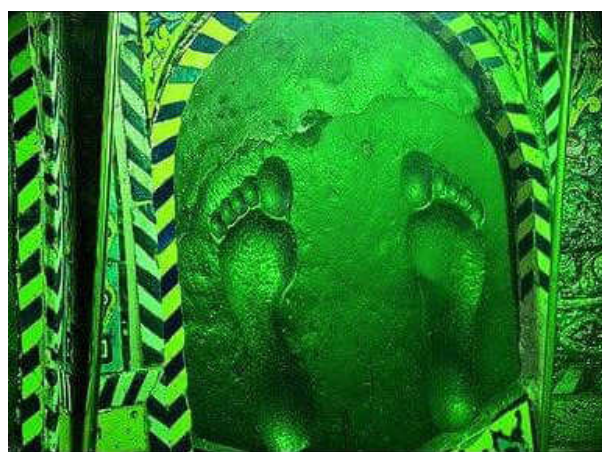
تصویر ۳- بنای قدمگاه امام رضا (ع) در نیشابور.

ماخذ: (<http://www.momtaznews.com>)



تصویر ۵- قدمگاه امام رضا، تکیه معاون الملک، کرمانشاه.

ماخذ: (<http://khabarone.ir/news>)



تصویر ۴- نقش قدمگاه امام رضا (ع) در نیشابور.

ماخذ: (<http://www.momtaznews.com>)

سدیدالسلطنه مینابی در سفرنامه خود پیرامون بازدیدش از قدمگاه حضرت سلمان می‌نویسد: «منزل امشب دشت ارژن است. دو ساعت از شب گذشته از گردنه پیرزن خارج شده و به دشت مسطح وسیعی رسیده و چراغ‌های دشت ارژن از دو فرسنگ مسافت پیدا بود. ساعت چهار وارد و در قدمگاه حضرت سلمان منزل نمودیم. قدمگاه عبارت از اطاق وسیعی است و برابر دروازه حجره حوض کوچک مربعی است. گویند سلمان فارسی در آن بدن شسته است و حوض از آب چشمه سرشار شود و میانه قدمگاه و کوه، پنجاه قدم و چشمه در دامنه آن کوه مرتفع واقع است. فراز کوه غاری است، دارای دو دهنه، یکی وسیع و دیگری زیاد تنگ و نزد عوام معروف است هرکس از دهنه وسیع درون رود و از آن دهنه دیگر بیرون آید حلال زاده است و نطفه او مشوب نیست. عقب قدمگاه قبرستان اهالی دشت ارژن بود...» (سدیدالسلطنه مینابی، ۱۳۶۲، ۳۹).

روشن است که وجود چندین قدمگاه متفاوت به فاصله اندکی از یکدیگر، نمی‌تواند متکی به دلایل تاریخی باشد. نزدیکی این قدمگاه‌ها به چشمه‌ها و رودها و دریاها، می‌تواند مبین ارتباط مکان‌های یادشده با الهه مهر یا آناهیتا باشد که در باور ایرانیان باستان، ایزدانوی آب‌های روان انگاشته می‌شد. علاوه بر سدیدالسلطنه، گزارش‌های تاریخی دیگری هست که از اعتقادات مردم جنوب کشور به قدمگاه‌های موجود در آن سامان، در چند سده پیش حکایت دارد: «رئیس با سیف الله خان مخابرات حضوری کرد. غروب رفتیم گردش. چند بقعه مانند دیدم پرسیدم اینها چیست؟ گفتند دو تای از آنها قدمگاه حضرت علی(ع) است. یکی می‌گفت جنگ مولا علی(ع) با مرجع خیبری در همین جا بوده (یک قلعه را از دور نشان می‌داد). باز یکی دو تا بقعه را نشان داد که جای پای حضرت عباس و دیگری جای پای سیدالشهدا است و بقعه دیگری را نمود که...^۷ است. از این جمله، درجه عوامی اهالی برازجان کاملاً مفهوم می‌شود» (افشار، ۱۳۸۴، ۵۶۱).

این بنا دارای گنبد زیبای نیلگون فیروزه‌ای با کاشی‌های نفیس هندسی و نقاشی‌های گیاهی دیواری منحصر به فرد است؛ در دوره‌های مختلف تاریخی، مجموعه‌ای میان‌راهی برای تفرج و زیارت مسافران در پیرامون قدمگاه شکل گرفته که شامل، کاروانسرا، آب‌انبار، حمام و مکان‌هایی جهت اقامت و بیتوته زائران و مسافران بوده است. شکل اصلی باغ کنونی که به چهار باغ معروف است، در دوران صفوی و به دستور شاه‌عباس اول احداث شد؛ در دوره‌های بعدی به دستور شاه‌سلیمان صفوی و ناصرالدین شاه قاجار بر روی مجموعه بنا و باغ معروف آن که به باغ قدمگاه معروف است، انجام شده است (حسینی و محمد نصیب، ۱۳۹۲، ۶۸-۶۹؛ اطلس حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵، ۳۵). آخرین مرحله از مرمت و بهسازی مجموعه، در سال ۱۳۵۰ توسط سازمان حفاظت آثار تاریخی آغاز شده که تا به امروز ادامه دارد این بنا به شماره ۲۳۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

قرائنی در دست است که برخی از قدمگاه‌های شناخته شده، پیش از اسلام نیز به عنوان مکان‌هایی ارجمند و مینوی شناخته می‌شده‌اند و پیروان آیین زرتشت، در آنها به نیایش می‌پرداخته‌اند. به استناد برخی داده‌های تاریخی، گمان می‌رود قدمگاه فعلی نیشابور، محل قرارگیری آتشکده آذربرزین‌مهر در پیش از اسلام بوده است (مفرد کهلان، ۲۰۰۸، ۸). اگر روایت اسکندربیک ترکمان را از بازسازی قدمگاه شاهپور کسری در مشهد مقدس در نظر بگیریم (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۵۰، ۱۱۱)، احتمال اینکه برخی دیگر از قدمگاه‌ها نیز بازمانده از روزگار پیش از اسلام بوده باشند، قوت می‌گیرد. قدمگاه موجود در دشت ارژن، یکی از نمونه‌های بارز ارتباط قدمگاه‌های ایران باستان به ایران پس از اسلام می‌باشد. این قدمگاه، در مجموعه‌ای زنجیره‌وار از قدمگاه‌هایی قرار دارد که در جنوب ایران یافت می‌شوند. اطراف خلیج فارس، در کناره‌ها و جزایر آن و دریای عمان و مناطق کرمان و بلوچستان و هرمزگان، قدمگاه‌های منسوب به حضرت خضر (میرشکرایی، ۱۳۸۲، ۴۳) و دیگر پیامبران و امامان و امام‌زادگان شیعه دیده می‌شوند.

جدول ۳- فهرست شماری از مهم‌ترین قدمگاه‌های سطح کشور.

ردیف	موقعیت	نام قدمگاه	منبع
۱	آبادان	خضر نبی	بانک جامع امامزادگان
۲	آبادان	امام رضا (ع)	بانک جامع امامزادگان
۳	استرآباد	خضر نبی	(اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۴۲۱)
۴	اصفهان	سلیمان نبی	بانک جامع امامزادگان
۵	اصفهان	شاه چراغی	بانک جامع امامزادگان
۶	اصفهان	شاه جعفر	بانک جامع امامزادگان
۷	اصفهان	حضرت علی (ع)	بانک جامع امامزادگان
۸	اصفهان	ابوالفضل عباس (ع)	بانک جامع امامزادگان

ادامه جدول ۳.

ردیف	موقعیت	نام قدمگاه	منبع
۹	آمل	خضر نبی	بانک جامع امامزادگان
۱۰	اهرم	ابوالفضل عباس (ع)	بانک جامع امامزادگان
۱۱	برازجان	ابوالفضل عباس (ع)	(افشار، ۱۳۸۴، ۵۶۱)
۱۲	برازجان	امام حسین (ع)	(افشار، ۱۳۸۴، ۵۶۱)
۱۳	بردسیر	ابوالفضل عباس (ع)	بانک جامع امامزادگان
۱۴	بردسیر	خضر نبی	بانک جامع امامزادگان
۱۵	بندر گناوه	ابوالفضل عباس (ع)	بانک جامع امامزادگان
۱۶	بندر گناوه	حضرت علی (ع)	بانک جامع امامزادگان
۱۷	تفت	حضرت علی (ع)	بانک جامع امامزادگان
۱۸	تهران؛ خیابان ناصرخسرو	چهارده معصوم	بانک جامع امامزادگان
۱۹	جهرم	آتشکده معروف به قدمگاه	بانک جامع امامزادگان
۲۰	دشت ارژن؛ بین کازرون و شیراز	سلمان فارسی	(سدیدالسلطنه مینایی، ۱۳۶۲، ۳۹)
۲۱	سرخس	ابوالفضل عباس (ع)	بانک جامع امامزادگان
۲۲	فارس؛ روستای جمشی در نزدیک قلعه دحیه	کوه قدمگاه	(فرصت شیرازی، ۱۳۷۷، ۹۴)
۲۳	فیروزکوه؛ روستای ورسخوران	خضر نبی	بانک جامع امامزادگان
۲۴	قصر شیرین	امام حسن عسگری (ع)	بانک جامع امامزادگان
۲۵	کاشان	حضرت صاحب الزمان (عج)	(کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸، ۴۳۰)
۲۶	کاشان	حضرت علی (ع)	(کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸، ۴۴۲)
۲۷	کاشان؛ روستای صالح آباد	حضرت علی (ع)	(کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸، ۴۴۲)
۲۸	کاشان؛ روستای کله	حضرت علی (ع)	(کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸، ۴۴۲)
۲۸	کرمان؛ ۳۸ کیلومتری جنوب غربی بم و در مجاورت دهستان آبگرم	کوه قدمگاه	بانک جامع امامزادگان
۳۰	گیلانغرب؛ روستای کله جوب سفلی	ابوالفضل عباس (ع)	بانک جامع امامزادگان
۳۱	مشهد	شاه پور کسری	(اسکندربیک ترکمان، ۱۳۵۰، ۱۱۱۰)
۳۲	مشهد	حضرت علی (ع)	(موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۱۱۶)
۳۳	مهریز	حضرت علی (ع)	بانک جامع امامزادگان
۳۴	نیشابور	امام رضا (ع)	(حسینی و محمدنص، ۱۳۹۲، ۶۷)

کسی دست فرو کرده بفشارد آن سنگ را به یک دست برداشته از پنجاه ذرع افکنده و الان هرکس آن سنگ را مشاهده کند چنان است که دست در او فرو رفته باشد. شب های جمعه اهل نیاز در آنجا آمده خیرات نمایند و چراغ ها افروزند» (کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸، ۴۴۲ و ۴۲۹).

فهرستی از مهم ترین قدمگاه های موجود در سطح کشور، نشانگر مناطقی است که بیشترین قدمگاه های منتسب به هر یک از انبیاء، امامان و بزرگان دین را در خود دارند (جدول ۳). بر اساس این فهرست، هشت قدمگاه منسوب به حضرت علی (ع)،

کشور نبوده و در اصفهان، کاشان و صفحات مرکزی ایران، اماکن و بناهای گوناگون به داشتن عنوان قدمگاه نام بردار می باشند. نویسندگان تاریخ کاشان، حکایتی از چگونگی شکل گیری یکی از این قدمگاه ها را در کتاب خود آورده است: «و یکی دیگر از بقاع الخیر در قریه کله، بقعه ایست که مشهور است به قدمگاه علی و در آن بقعه، قطعه سنگ سخت بزرگی است که تخمیناً سی من به وزن ری در نظر و در دیوار آن نصب است. گویند شخصی آن حضرت را در آن موضع به خواب دیده و استدعای معجزه کرده، آن حضرت پنجه مبارک را در آن سنگ فرو برده چنانچه خمیر را

انسان به بحث و گفت‌وگو پرداخته است. بدین ترتیب که یک صفحه کتاب را تصادفاً باز کرده و تفسیر داستان آن صفحه را با نیت خود تطبیق می‌دهند (سودآور، ۱۳۸۰، ۱۸۸).

نگاره قدمگاه، یکی از مشهورترین نقاشی‌های موجود در فالنامه تهماسبی است و به دلیل وجود نمادهایی چند، بیشتر از سایر نگاره‌ها مورد توجه قرار گرفته است. قدمگاه‌های موجود در جهان اسلام که تصاویر آنها گذشت، عاری از نقش و نماد بودند؛ ولی قدمگاه موجود در این نگاره، آکنده از نماد است و مشخص است که نقاشان در تصویر نگاره، از قدمگاه‌های بودایی الهام گرفته‌اند. چنان‌که مشاهده شد، قدمگاه معروف امام رضا (ع) در نیشابور نیز که ممکن است نگاره فالنامه به تأسی از آن کشیده شده باشد، فاقد هرگونه نماد است (تصویر ۶).

نمادهای موجود در نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی

بنا به تعریفی، نماد عبارت است از سخن گفتن از غیب بر حسب شاهد، یعنی سخن گفتن از آنچه از دسترس حواس بیرون است با کلمات واقعیات ظاهر. بنابراین، نماد سخن گفتن از باطن بر حسب ظاهر است (نویا، ۱۳۷۳، ۲۹). برای درک بهتر مفاهیم مدنظر هنرمند، نمادهای موجود در نگاره فالنامه را از نظر می‌گذرانیم.

الف) قدمگاه

علامت پاها که مهم‌ترین بخش تصویر را تشکیل می‌دهند، در حالتی انتزاعی، بزرگ‌تر از سایر نمادها هستند. حتی سروها که در فرهنگ ایرانی نشان بلندی و راست قامتی هستند، در مقایسه با نقش قدم‌ها، بسیار خردتر هستند. نقاش تلاش داشته است بدین وسیله، بر عظمت معنوی قدمگاه تأکید ورزد. مرکز قدمگاه، با نقوش اسلیمی متناوبی که یادآور تزیینات بیرونی مساجد و بناهای مذهبی می‌باشد، پر شده است. زمینه آبی قدمگاه نیز کاملاً ملهم از رنگ کاشی‌های مساجد است که در دوره صفوی کاربرد آن شدت گرفت. بزرگترین خط اسلیمی که در صدر قدمگاه و زیر انگشتان دیده می‌شود، تداعی‌گر کلمه «الله» در شکل انتزاعی آن است. بر مرکز نقش هریک از انگشتان، گلی متفاوت کشیده شده که ممکن است اشاره به «پنج تن آل عبا» باشد. در قدمگاه‌های بودایی، به جای این گل‌ها، نشان مهر یا صلیب شکسته دیده می‌شد که البته گل‌های اسلیمی و نقش ترنج موجود در این نگاره را هم با کمی اغماض، می‌توان به آن نشان همانند کرد.

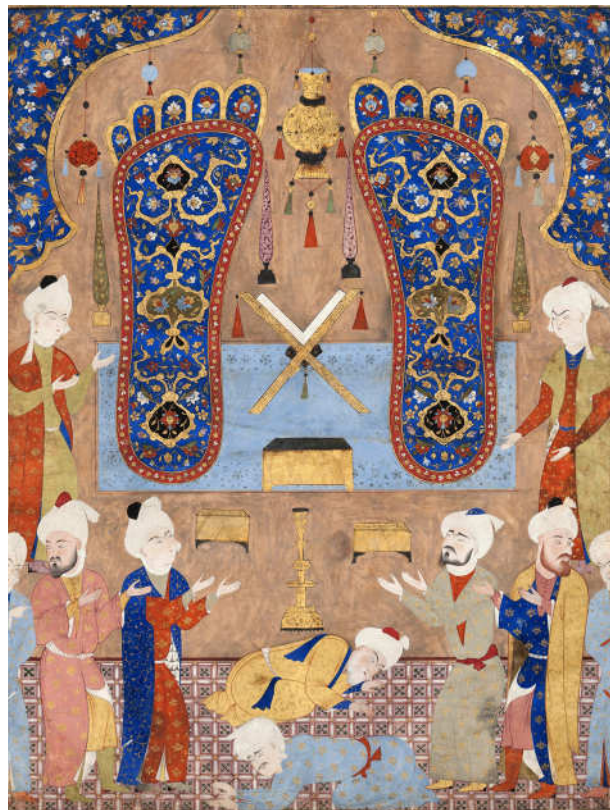
ب) سرو

سرو از نشانه‌های پرکاربرد در نمادشناسی ایرانی و دیگر فرهنگ‌ها می‌باشد. در غرب، این درخت به نماد جاودانگی و زندگی پس از مرگ تعبیر شده است (هال، ۱۳۸۳، ۲۹۳). در ایران، درخت سرو را مظهری از جنبه مثبت و مفرح روح و زندگی مذهبی دانسته و تزیین مکان‌های مذهبی با این درخت را بر همین مبنا

یک قدمگاه منسوب به امام حسین (ع)، هفت قدمگاه منسوب به حضرت ابوالفضل العباس (ع)، دو قدمگاه منسوب به امام رضا (ع)، پنج قدمگاه منسوب به حضرت سلیمان (س)، پنج قدمگاه منسوب به حضرت خضرو ده قدمگاه نیز با نام‌های مختلف و متفرقه دیگر در سطح کشور وجود داشته یا هم‌اینک نیز وجود دارند.

تحلیل نمادهای بصری نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی

نسخه فالنامه به سفارش شاه تهماسب و پس از اتمام آثار بزرگ دربار صفوی یعنی شاهنامه تهماسبی (۹۴۷-۹۲۸ ق) و خمسه نظامی (۹۵۶-۹۴۶ ق)، در مکتب قزوین^۸ مصور شده است. تهیه این نسخه، به احتمال زیاد در سال ۹۴۷ ق / ۱۵۴۰ م آغاز و در سال ۹۵۷ ق / ۱۵۵۰ م به پایان رسیده است (Falk, 1985, 92). تا به حال ۲۸ نگاره از این نسخه شناخته شده است که به صورت پراکنده در مجموعه‌های متعدد خارج از کشور مانند گالری ساکلو واشنگتن، موزه برلین، کتابخانه چستر بییتی دوبلین، موزه متروپولیتن و موزه لوور نگهداری می‌شوند. نقاشان این نسخه را، آقامیرک و عبدالعزیز می‌دانند. اندازه نگاره‌ها در قطع نسبتاً بزرگ (طول بین ۵۶-۶۰ و عرض نیز بین ۴۲-۴۵ سانتی‌متر) است (Farhad, 2010, 43). کتاب فالنامه، شامل داستان‌های کوتاه و مختصری است؛ همچنین درباره پیش‌گویی وقایع یا نتیجه‌ی نیت و خواسته‌های



تصویر ۶- نگاره قدمگاه امام رضا (ع)، فالنامه تهماسبی.

ماخذ: (Farhad, 2010, 137).

معنوی پیامبر اسلام (ص) را به منزله چراغی برای هدایت مؤمنان و مسلمانان یادآوری نماید.

ت) محراب

دو طاقی که از دو سوی، قدمگاه را در برگرفته‌اند، به شکل محراب تداعی یافته‌اند. محراب که جایگاه بسیار مهمی در نظام عبادی و توحیدی اسلام دارد، در فرهنگ شیعی، بیش از همه، یادآور شهادت حضرت علی (ع) در آن است و در این نگاره، با تضرع و نیایش چند نفر در پای آن تناسب پیدا می‌کند. احتمال دارد شکل خاص این محراب، از روی کلمه «شاه» ساخته شده باشد که اشاره‌ای به جایگاه معنوی شاهان صفوی است. بطن محراب، برعکس نقوش متداول گره‌چینی آن دوره، همانند فضای داخل قدمگاه با نقوش اسلیمی مرکب از گل‌های رنگارنگ آراسته گردیده است. اطراف محراب و رحل موجود در نگاره را، آویزه‌هایی زیبا احاطه کرده‌اند که برگرفته از هنر تزئین عصر صفوی بوده و به احتمال زیاد، در آن دوره جهت آراستن مکان‌های مقدس کاربرد داشته است. ایرانیان از این آویزه‌ها، برای آراستن زین ابزار اسبان استفاده می‌کردند و نمونه‌ای از آن در سنگ‌نگاره طاق بستان دیده می‌شود. از این نظر می‌توان دریافت که اقلام یادشده، کاربردی نمدین داشته‌اند.

ث) رحل و قرآن

رحل و قرآن، عناصر همیشه حاضر در نگاره‌های محراب هستند و نمی‌توان آن را در پیوند مستقیم با خود قدمگاه تفسیر کرد؛ اما در سه‌گانه محراب - قدمگاه - رحل، معنی آن، جایگاه اسلامی قدمگاه مزبور می‌باشد و آن را از یک نقش قدمگاه غیراسلامی مجزا می‌کند. نقطه ثقل رحل یا لولای آن، نقطه مرکز نگاره را تشکیل می‌دهد که سایر عناصر به اقترا و در شعاع آن کشیده شده‌اند و قرآن کریم درست بر بالای آن تصویر شده است.

ارزیابی کرده‌اند (بُد، ۱۳۵۴، ۱۷۴). هرچند که در شعر و ادب فارسی از سرو به عنوان نمادی از جوانی و سرزندگی یادشده و آن را به قامت رعنا و دل‌آرای یار مانده کرده‌اند، اما اشاره‌هایی هم هست که سرو را به نشان برازندگی و اعتدال حضرت محمد (ص) تبدیل کرده‌اند؛ چنان که سعدی در شعر خویش گوید:

ماه فرو ماند از جمال محمد

سرو نباشد به اعتدال محمد (سعدی، ۱۳۸۵، ۷۸۰)

باغ قدمگاه نیشابور که شاهان صفوی در آبادانی آن اهتمام داشتند، احتمالاً همانند باغ‌های دیگر ایرانی، دارای سروهای فراوانی بوده که گویی در برانگیختن نقاش به گنجاندن سروها در نگاره خود مؤثر بوده است و هنرمند خواسته است پیوندی نمادین بین نماد سرو و خصوصیات معنوی پیامبر اسلام در «سبزی، راست قامتی و همیشه بهار بودن آن» برقرار نماید.

پ) چراغ دان و قندیل

نور و چراغ در آیین اسلام مقامی ارجمند دارد؛ و نباید از نظر دور داشت که در ایران پیش از اسلام و در جهان بینی زرتشتی نیز، نور و آتش همان منزلت را داشتند. متن صریح قرآن در آیه ۳۵ از سوره مبارکه نور^۱، که ذات اقدس خداوندی را به نور تشبیه می‌کند، مبنای حرمت نور و چراغ در اسلام گشته و در هنر و معماری اسلامی اثرگذار بوده است. اما در فرهنگ شیعی، حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجات»، موجب شده است که چراغ به نمادی از حضرت امام حسین (ع) و مبارزه او با دستگاه ستمگر خلافت و سرانجام تلخ و اما امیدبخش آن واقعه تبدیل شود. چراغ دان و قندیل در نمادپردازی ایرانی پیوسته حضور داشت و در گذشته بر روی دیوارهای درونی و طرح‌های گچ‌بری، نمادی از قندیل را طراحی می‌کردند تا حضور دائم نور و روشنایی را در آن مکان یادآور سازند. در این نگاره نیز می‌توان گفت که نقاش می‌خواسته است حضور

نتیجه

چینش آنها تلاش داشته است بین مفاهیم عینی و ذهنی ارتباط و پیوندهایی برقرار سازد. نمادهای مورد استفاده در این نگاره که بر کانون یک نقش قدم دوتایی قرار گرفته‌اند، اشاره به حضور معنوی پیامبر (سرو) و حضرت علی (محراب) بر جایگاه امام رضا (ع) دارد. خارج از جهان اسلام، سرزمین هند، مرکز عمده ساخت و زیارت قدمگاه‌های ثابت و سیار می‌باشد. این قدمگاه‌ها، در مناطقی که آیین بودایی در آنها گسترش یافته، پراکنده شده‌اند. برخی از قدمگاه‌های موجود در ایران نیز، جدای از تأثیرات هندی شکل گرفته بوده‌اند که پس از اسلام، همچنان ارج و قرب اجتماعی خود را نگه داشته‌اند. تصویر معروف به «نگاره قدمگاه» در فالنامه تهماسبی که در زمان صفوی کشیده شده است، مورد توجه پژوهشگران بوده و آن را در راستای تعالیم شیعی و اسلامی بررسی کرده‌اند. بررسی‌ها

قدمگاه‌ها در جهان اسلام همواره وجود داشته‌اند و پیشینه آنها، حتی به پیش از اسلام باز می‌گردد. مصر، ترکیه، سوریه، فلسطین، عربستان، ایران و هند، هر کدام دارای چندین قدمگاه از انبیاء و اولیاء دین هستند و به دیده تقدس به آنها نگریسته می‌شود. در ایران، قدمگاه‌ها بیشتر از دیگر کشورهای اسلامی هستند که اغلب آنها به امامان و بزرگان شیعه اختصاص دارد. قدمگاه‌های شناخته‌شده در ایران، اغلب فاقد تاریخچه روشن و دقیقی بوده و ساخت و نگهداری آنها، متکی به الهامات شخصی و روایات محلی می‌باشد.

فالنامه تهماسبی، تفاوت‌های زیادی با سایر نگاره‌های مذهبی دارد که می‌توان به نمادگرایی صرف آن اشاره کرد. نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی، دربردارنده هیچ زمان یا مکان خاصی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای درهم تنیده از نمادها است که نگارگر با

(ع) در نیشابور ندارد؛ هرچند که در اصالت تاریخی ساختمان و نقش قدمگاه مزبور نیز تردیدهای جدی وجود دارد.

نشان می‌دهد که این نگاره بر اساس سنت هندی کشیده شده، اما با نقوش و نمادهای اسلامی آراسته شده و ارتباطی با قدمگاه امام رضا

پی‌نوشت‌ها

1 Samana Kande.

2 Samnanala.

3 Sri Pad.

4 SiLun Fie.

۵ و بالحجر الأسود اذیمسحونه اذا اکتنفوه بالضحی والأضحی والأصائل / وموطیء ابراهیم فی الصخر ربطة علی قدمیه حافیاً غیر ناعل.

۶ و از نیشابور با چهار فرسخ فاصله به قدمگاه رسیدیم و قدمگاه در زبان عربی «قرية الحمراء» بوده که به فارسی «ده سرخ» بوده و فعلاً معروف به قدمگاه است و اینجا است که از حضرت خواهش کردند نماز ظهر را بخواند و نماز جماعت با حضرت بخواند چون آب نبود حضرت با انگشتان خود زمین را کاوید چشمه [ای] ظاهر شد یا فرمود چشمه را تنقیه و ... گیری کردند و به حوضی ریختند و حضرت وضو گرفت و یا غسل فرمود و روی سنگی قرار گرفت و اثر پای حضرت در آن افتاد و فعلاً به قدمگاه معروف است و آن چشمه در قدمگاه زیرزمین است و اثر پای آن حضرت در سنگ سیاهی در دیوار بنایی که در صحن و سیعی در بالای آن صحن واقع است، زیارتگاه مردم است (فوائد رضویه، بی تا، ۳۰۲).

۷ کلمه ناخوانا.

۸ شاه طهماسب در سال ۹۵۵ هـ ق پایتخت را از تبریز به قزوین انتقال داد و مکتب هنری قزوین شکل گرفت. از ویژگی‌های نگارگری این مکتب، می‌توان به پیکره‌های جوان دختر و پسر، تأکید بر کشیدگی اندام، تأکید بر خطوط موج و حالات ملیح و ظریف پیکره‌ها، چهره‌های گرد و گردن‌های دراز و چشمان درشت پیکره‌ها، تصویر سالخوردگان و میانسالان با نوعی رئالیسم متمایل به کاریکاتور بهره‌گیری از رنگ سبز سیر برای اجرای زمینه نگاره‌ها، منظره‌پردازی‌های دلنشین و چشم‌نواز اشاره نمود (آژند، ۱۳۸۴، ۱۵۹).

۹ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

فهرست منابع

قرآن کریم (۱۳۸۴)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات گوتنبرگ.
آژند، یعقوب (۱۳۸۴)، مکتب نگارگری تبریز قزوین و مشهد، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
ابن بطوطه (۱۳۷۰)، سفرنامه، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، جلد دوم، انتشارات آگه، تهران.
ابوالفضل مبارک (۱۳۷۲)، اکبرنامه، تاریخ گورکانیان هند، به‌کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.
اسکندربیک ترکمان (۱۳۵۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
اطلس حرم مطهر رضوی (۱۳۹۵)، انتشارات به‌نشر (آستان قدس رضوی)، مشهد.
اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، انتشارات دنیای کتاب، تهران.

افشار، ایرج (۱۳۸۴)، دفتر تاریخ؛ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، جلد دوم، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.
بُید، فرامرز (۱۳۵۴)، نقوش و علائم مقدس در پدیده‌های شگرف معماری هخامنشی، ترجمه مهدی غروی، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴۷، صص ۱۴۹-۱۸۰.

بلعمی (۱۳۷۴)، تاریخ‌نامه طبری گردانیده منسوب به بلعمی، تصحیح محمد روشن، جلد نخست، انتشارات سروش، تهران.
جامی، (۱۸۹۸)، تحفة الاحرار، چاپخانه مصطفائی (چاپ سنگی)، لاهور.
حسینی، سید مجید و رضا محمد نصیب (۱۳۹۲)، قدمگاه عشق سیری در سیره و هجرت / امام رئوف علی بن موسی الرضا (ع) انتشارات نورالمبین، مشهد.

خاقانی شروانی (۱۳۱۶)، دیوان، به تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی، چاپخانه سعادت، تهران.
سدید السلطنه مینابی، محمدعلی خان (۱۳۶۲)، سفرنامه، به تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، انتشارات بهمنشیر، تهران.
سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، کلیات سعدی، به اهتمام محسن پویان، انتشارات سایه‌گستر، مهرگان دانش، تهران.

سودآور، ابوالعلا (۱۳۸۰)، هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، انتشارات کارنگ، تهران.
فاروقی، عباس (۲۵۳۶)، سفینه سلیمانی، سفرنامه سفیر ایران به سیام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷)، آثار عجم، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
فوائد رضویه، نسخه خطی شماره ۱۰۱۳۸ (امالی دیزجی)، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

کردی مکی، محمدطاهر (۱۳۷۸)، کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، انتشارات مشعر، تهران.

کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)، تاریخ کاشان، به انضمام یادداشت‌هایی از اللهیار صالح، به کوشش ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران.
مفرد کهلان، جواد (۲۰۰۸)، تاریخ اساطیری تطبیقی ایران باستان، بی تا، سوئد.

مقدس، احسان (۱۳۸۸)، راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق، انتشارات مشعر، تهران.
موسوی اصفهانی، حسن (۱۳۹۲)، روزنامه سفر مشهد، مکه و عتبات ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ق. به کوشش رسول جعفریان، با همکاری حمیدرضا نفیسی، انتشارات مشعر، تهران.

میرشکری، محمد (۱۳۸۲)، خضر در باورهای عامه، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۵۵ و ۵۶، صص ۲۹-۴۲.
نویا، پل (۱۳۷۳)، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
هال، جیمز (۱۳۸۳)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.

Falk, Toby (1985), *Treasures of Islam*, Bristol, Avon, England.

Farhad, Masumeh & Bagci, Serpil (2010), *Falname, the book of omen*, Thames & Hudson.

بانک جامع) <http://www.harameyar.ir> Retrived Aug. 8, 2017 (امام زادگان ایران)

<http://khabarone.ir/news> Retrived Mar. 2, 2018.

<http://www.momtaznews.com> Retrived Mar. 2, 2018.

<http://www.onmarkproductions.com/html/footprints-bus-sokuseki.html>. Retrived Mar. 3, 2018.

<https://www.pinterest.dk/pin/166703623691319306/> Retrived Feb. 3, 2017.

<https://xerion81.deviantart.com/art/The-feet-of-the-Bud-dha-76638095>. Retrived Mar. 17, 2018.

Mahmood Begg Naqshbandi, Mohamed (2014), *The Blessed Foot-print and Sacred Nalayn the Blessed Sandals of Prophet Muhammad*, The World Islamic Mission, European Region, U.K.

Puttkamer, W. Jesco Von (1979), Man in the Amazon, Stone age Present Meets Stone age past, *National Geographic magazine*, pp. 60 - 79.

<http://siilikarastirmalari.blogspot.de/2014/10/makam-ibrahim.html?m=1>. Retrived Mar. 7, 2018.

<http://sites.asiasociety.org/gandhara/exhibit-sections/buddhas-and-bodhisattvas/>. Retrived Mar. 7, 2018.

Symbolism of Footprints in the History of Orient with an Emphasis on the Image of Footprint in *Falname Tahmasebi*

Nahid Jafari Dehkordi¹, Maryam Izadi Dehkordi²

¹ Ph.D. Student of Art Research, Faculty of Advanced Studies in Art and Entrepreneurship, Isfahan University of Arts, Isfahan, Iran.

² Assistant Professor, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

(Received 26 May 2018, Accepted 25 Aug 2018)

The sanctity of footprints are rooted in history. Humans tried to preserve the memory of his existence in order to overcome the sense of the lack of someone. Objects, personal belongings and even quotes from the departed were considered sacred and were highly revered throughout the history. Moreover, several places are instances of "Holy Land" for at some time in the history an important figure attended there. For the Abrahamic and Semitic religions, Mesopotamia reminds of the Abraham and Imam Hussain, Palestine reminds of Moses and Jesus, Egypt reminds of Joseph, Hejaz reminds of the prophet Muhammad and Khorasan reminds of Imam Reza. Accordingly, sanctity of footprints has roots in the earliest stages of the history of thought and humans have always revered footprints of prominent figures and have looked up on them believing them to be the symbols of possession and power. This was the drive behind people looking for footprints. The world of Islam, Indian peninsula and Iran are abundant with footprints being worshipped. Likewise, footprints have always been highly regarded in the folklore of Iran. There are numerous places in Iran attributed to the footprints of a prophet an Imam or one of their dependents; yet most of them are not historically authentic. It is believed that some of these sites have survived from the pre-Islamic era and after Islam conquered the land, most of them transformed or stayed on in the history. The most famous footprint in Iran, however, is the footprint of Imam Reza and an image of it along with other symbols is found in the *Falnameh Tahmasebi*. This study aims to investigate the footprints in Buddhism, Islam and tries to use historical and literary evidence to find

a decent answer to the questions like to what historical era does the onset of footprints date back? Do they have roots in Islamic culture? From what origin do the symbols in the *Falnameh Tahmasebi* come from? The study is a historical, descriptive study the data for which were collected through library research and selecting prominent instances of footprints and their images throughout the world and especially in the world of Islam. In addition to tens of footprints across the world most of which are in the world of Islam. 34 footprints are identified in Iran from which eight footprints are attributed to Imam Ali, one footprint is attributed to Imam Hussain, seven footprints are attributed to Abbas ibn Ali, five footprints are attributed to the Khidr and the remaining ten are attributed to different people. The human need for the mythology and the assignment of special places to outstanding people has created the footprint culture among humanity and its signs are from cave to space. Studies have shown that the existing footprints either date back to the pre-Islamic era or were built after personal revelations. The image in the *Falnameh Tahmasebi* is drawn based on Buddhist samples yet according to Islamic symbols and has no relationship of any kind with the Imam Reza Footprint in Nishapur.

Keywords

Buddha Footprint, Footprint, Nishapur Footprints in Iran, Image of Footprint in *Falname Tahmasebi*.